

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۸ اپریل ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۶۶

مُلحدنامه

-۳۲-

داستان تراب یساؤل^۱

نهاد از ادب روی خود بر زمین تُراب یساؤل برآمد، به زین
بزرگ و گرانسنگ، چون میخکوب عمودی برافراشت، بر جای چوب
که در جوف رگ خشک شد خون او بدان گونه بسپوخت^۲، در کون او
به تیزی یکی تیز^۳، از وی بَجست به سختی چو حمدان^۴ بدو در نشست
تو گفستی، که آتش به سنبل فتاد به ریش تراب یساؤل فتاد

^۱ - "یساؤل" کلمه ترکی ست و در معنای "پهره دار"

^۲ - "سپوختن" در معنای "به زور داخل کردن" و به اصطلاح کابلی "تقی کردن"؛ پس "بسپوختن" ماضی مطلق از آن است، به علاوه بای زینت یا بای تأکید.

^۳ - "حمدان" (بر وزن "بخدان" و "چندان") کلمه عربی ست و به "آله تناسلی مرد" گفته می شود.

^۴ - "تیز" (به بای معروف): "گوز پرقلاب" را گویند؛ چنان، که مثل "یک مشنگ و چل تیز" مثال خوبی برای آن است.